



### سیاست آسیای مرکزی جدید<sup>1</sup>

کتاب «سیاست آسیای مرکزی جدید» از چهار جلد تشکیل شده و در مجموع، شامل ۶۹ مقاله از نویسندگان و صاحب‌نظران مطرح در عرصه فرهنگ، اقتصاد، سیاست، جامعه‌شناسی و ژئوپلیتیک آسیای مرکزی است. جلد چهارم این اثر با عنوان «تغییر در مفهوم ژئوپلیتیک»<sup>۲</sup> در چهار فصل: جایگاه دوباره آسیای مرکزی، بازیگران منطقه‌ای، ساختارها و اتحادها، تقابل میان هنجارهای غربی و منافع منطقه‌ای و حوزه دریای خزر: امید به آینده، سیاست و خط لوله (فصل‌های ۱۷ الی ۲۰) و به صورت ۱۵ مقاله به بررسی مسایل ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی و نقش جمهوری‌های این منطقه در رقابت‌ها و سیاست‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و جهانی می‌پردازد:

### فصل هفدهم: جایگاه دوباره آسیای مرکزی<sup>۳</sup>

در این فصل سه مقاله به شرح زیر ارائه شده است:

میلان هانر<sup>۴</sup> مقاله خود را تحت عنوان «ژئوپلیتیک آسیای مرکزی در یک‌صد سال اخیر: مطالعه‌ای انتقادی از گورچاکف تا گورباچف»<sup>۵</sup> در سال ۱۹۸۹ به رشته تحریر درآورد. وی در این مقاله به شرح و تفصیل عوامل ژئوپلیتیکی و تاریخی طی ۱۳۰ سال گذشته که منجر به گسترش حوزه نفوذ روسیه در آسیای مرکزی گردیده است، اشاره می‌کند. نویسنده به عنوان یک جغرافیدان برای بررسی جایگاه و اهمیت منطقه اوراسیا در گسترش نفوذ روسیه و دولت شوروی در آسیای مرکزی به نظریه سرزمین حیاتی هالفورد

<sup>1</sup>. Dave, Bhavna. (2010), *Politics of Modern Central Asia*, New York: Rutledge.

<sup>2</sup>. The Changing Geopolitical Context

<sup>3</sup>. (Re)Locating Central Asia

<sup>4</sup>. Milan Hauner

<sup>5</sup>. Central Asia Geopolitics in the Last Hundred Years: A Critical Survey from Gorchakov to Gorbachev

---

مکیندر<sup>۱</sup> استناد می‌کند. هانر مقاله خود را با تعبیری در خصوص آسیای مرکزی تحت نفوذ دولتمرد روسی، الکساندر گرچاکف آغاز می‌کند و با تحقیق در خصوص چگونگی تغییر این تعبیر تحت نفوذ میخائیل گورباچف به عنوان مسئول فروپاشی اتحاد شوروی به مباحث این فصل پایان می‌دهد. بخش اصلی مقاله وی به تزلزل و بی‌ثباتی جایگاه آسیای مرکزی در پندارهای ژئوپلیتیکی روسیه اشاره دارد.

مقاله *راژان منون*<sup>۲</sup> با عنوان «بازی بزرگ جدید در آسیای مرکزی»<sup>۳</sup> که در سال ۲۰۰۳ به چاپ رسید، ژئوپلیتیک منطقه را فضایی گسترده‌تر در نظر می‌گیرد و به اهمیت آسیای مرکزی پس از رخداد های یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ می‌پردازد و عواملی که آسیای مرکزی را پیش از این وقایع در حاشیه نگه داشته بود را به بحث می‌گذارد. وی از ایده «آسیای مرکزی بزرگ‌تر»<sup>۴</sup> حمایت می‌کند؛ شبکه جهانی به هم پیوسته‌ای که آسیای مرکزی را به معنای واقعی به قفقاز جنوبی، افغانستان، پاکستان، ایران، ترکیه و ایالت سین‌کیانگ چین پیوند می‌زند. منون خاطرنشان می‌سازد که یک سیاست خارجی کارآمد و تحلیلی، ما را بر آن می‌دارد تا آسیای مرکزی را با افغانستان و آسیای جنوبی از یک طرف و از شرق با جمهوری اسلامی ایران، ترکیه و چین از طرف دیگر پیوند دهیم. از مباحث اصلی این مقاله، ثبات در پاکستان است که به برقراری نظم در افغانستان مربوط می‌شود.

خانم *مارتا بریل الکووت*<sup>۵</sup> در مقاله «تحول در ژئوپلیتیک: کمتر از آن چیزی که تصور می‌رود تغییر کرده است»<sup>۶</sup>، برآورد بدبینانه‌ای از شکست رهبران آسیای مرکزی در استفاده از «فرصتی دیگر»<sup>۷</sup> برای برتری منطقه‌ای که در پی موقعیت و شرایط پس از وقایع یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ برای آنها فراهم شده بود، ارائه می‌دهد. وی خاطرنشان می‌سازد که به‌رغم افزایش اهمیت استراتژیک کشورهای آسیای مرکزی در نظر آمریکا، محیط امنیتی منطقه دستخوش تغییری دراماتیک نشده است. با وجود اینکه کشورهای آسیای مرکزی در سال ۲۰۰۱ سریعاً حمایت خود را از گروه‌های نظامی به رهبری ایالات متحده در افغانستان

---

<sup>۱</sup>. Halford Mackinder

<sup>۲</sup>. Rajan Menon

<sup>۳</sup>. The New Great Game in Central Asia

<sup>۴</sup>. A greater Central Asia

<sup>۵</sup>. Martha Brill Olcott

<sup>۶</sup>. Changing Geopolitics: Less has Changed than One Might Think

<sup>۷</sup>. Second Chance

---

اعلام داشتند، اما به دلیل ناتوانی رهبران منطقه و همچنین عدم وجود حامیانی جدی در آمریکا برای حفظ و تاکید بر اهمیت آسیای مرکزی، نتوانستند برتری منطقه‌ای که به تازگی به دست آورده بودند را حفظ کنند. خانم الکوت مقاله خود را با ارزیابی عملی عدم موفقیت قدرت‌های اروپایی و آمریکا در افزایش حضورشان در منطقه پایان می‌دهد و بیان می‌دارد که بعید است آسیای مرکزی، اهمیت استراتژیکی که خاورمیانه از آن برخوردار است را کسب نماید، هرچند که ظاهراً قزاقستان جذاب‌ترین انتخاب است.

### بخش هجدهم) بازیگران منطقه‌ای، ساختارها و اتحادها<sup>۱</sup>

در این بخش با اینکه اندیشمندانی چون منون و الکات در بخش پیشین خاطرنشان ساخته‌اند که نقش درازمدت نظامی آمریکا برای ثبات آسیای مرکزی، ضروری است، اما لزوماً به معنای کاهش نفوذ روسیه یا در حاشیه قرار گرفتن چین نیست.

روی آلیسون<sup>۲</sup> در مقاله‌ای با عنوان «تاکید مجدد روسیه بر سیاست راهبردی در آسیای مرکزی»<sup>۳</sup>، معتقد است این مساله که روسیه از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، افزایش حضور استراتژیک آمریکا و غرب را در آسیای مرکزی پذیرفت به معنای کاهش و محو نقش، اهداف و یا خواسته‌های مسکو نیست. وی از سیاست غیرمنفعلانه، واقع‌بینانه و تاثیرگذار روسیه در آسیای مرکزی و مناطق حوزه دریای خزر خصوصاً در محورهای امنیتی و انرژی تحت رهبری پوتین-مدودف خبر می‌دهد. این تفاوتی است آشکار نسبت به سیاست انزواطلبانه و بی‌طرفانه دوران حکومت یلتسین. این تحلیل توجه ما را به نوسانات مهم در اهداف و سیاست‌های روسیه در قبال آسیای مرکزی جلب می‌کند و ما را بر آن می‌دارد تا این سیاست‌ها را همانطور که در دوران اتحاد جماهیر شوروی عرف بود، ثابت و یکدست نپنداریم. آلیسون معتقد است انتظار اینکه آسیای مرکزی به سوی غرب یا جهان اسلام کشیده شود نیز بی‌مورد است.

در عین حال، آلیسون در بخش بعدی با عنوان «منطقه‌گرایی واقعی، ساختارهای منطقه‌ای و امنیت رژیم در آسیای مرکزی»<sup>۴</sup>، ثابت می‌کند که اگرچه روسیه برای دنبال

---

<sup>۱</sup> . Regional Actors, Structures and Alignments

<sup>۲</sup> . Roy Allison

<sup>۳</sup> . Strategic Reassertion in Russia's Central Asia policy

<sup>۴</sup> . Virtual Regionalism, Regional Structures and Regime Security

کردن اهداف خود در منطقه آسیای مرکزی می‌تواند ابزار گوناگونی را به کار گیرد، اما راه طولانی‌تری تا توسعه استراتژی مشترک منطقه‌ای باقی مانده است. این موضوع تا حدی از این امر ناشی می‌شود که ساختارهای منطقه‌ای در آسیای مرکزی، فاقد محتوای بنیادین یا مکانیسم‌های اجرایی هستند. ملت‌سازی و اختلافات ریشه‌دار محلی، تاثیر تفرقه‌افکنانه رقابت ژئوپلیتیکی میان قدرت‌های بزرگ در منطقه، نقش قدرت و رقابت‌های شخصی میان رهبران در مسیر منطقه‌گرایی موفق موانعی ایجاد می‌کند. در هر صورت، کشورهای آسیای مرکزی طی «مجادله» با روسیه و چین در قالب سازمان همکاری شانگهای و نیز حمایت سازمان همکاری شانگهای<sup>۱</sup>، سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی<sup>۲</sup> و کمیته اقتصادی اوراسیا<sup>۳</sup> از «منطقه‌گرایی واقعی»<sup>۴</sup>، می‌توانند ضمن منتفع شدن از این همکاری‌ها با برنامه‌های «از بیرون»<sup>۵</sup> برای ایجاد کنترل مطلوب یا ترویج دمکراسی مخالفت کنند.

ماتئو فوماگالی<sup>۶</sup> در مقاله خود تحت عنوان «صف‌آرایی و سازماندهی مجدد در آسیای مرکزی: مبنای منطقی و معنای تجدید رابطه ازبکستان با روسیه»<sup>۷</sup>، ماهیت در حال تغییر اتحادها طی همکاری استراتژیک میان آمریکا و ازبکستان در سال ۲۰۰۱ و متعاقب آن، تخلیه پایگاه نظامی آمریکا در کارشی-خان‌آباد<sup>۸</sup> و هماهنگی مجدد استراتژیک میان ازبکستان و روسیه در سال ۲۰۰۵ را مورد بررسی قرار می‌دهد. فوماگالی شرح می‌دهد که چگونه ملاحظات مربوط به بقای رژیم منجر شد تا مسایل مربوط به امنیت ملی کم‌رنگ شود و ازبکستان با روسیه متحد شده و نیروهای آمریکایی را از کشور اخراج کند. این بدین معنا است که وقتی صحبت از بقای رژیم و در خطر بودن آن در میان باشد، شاهد تغییرات رادیکال در سیاست خارجی این کشورها می‌باشیم.

<sup>۱</sup> . Shanghai Cooperation Organization (SCO)

<sup>۲</sup> . Collective Security Treaty Organization (CSTO)

<sup>۳</sup> . Eurasian Economic Community

<sup>۴</sup> . Virtual Regionalism

<sup>۵</sup> . External

<sup>۶</sup> . Matteo Fumagalli

<sup>۷</sup> . Alignments and Realignments in Central Asia; the Rationale and Implication of Uzbekistan's Rapprochement with Russia

<sup>۸</sup> . Karshi-khanabad

---

دیوید کر<sup>۱</sup> و لورا/سویتون<sup>۲</sup> در مقاله‌ای مشترک با عنوان «چین، سین کیانگ و امنیت فراملی آسیای مرکزی»<sup>۳</sup>، روابط امنیتی چین با آسیای مرکزی را از ابعاد درون ملیتی، فراملیتی و بین‌المللی مورد بررسی قرار داده و تاکید آنها بر سیاست منطقه خودمختار سین کیانگ/ویغور<sup>۴</sup> است. مقاله مذکور به بررسی حمایت چین از سازمان همکاری همکاری شانگهای به عنوان مکانیسمی در جهت پیشبرد سه هدف اصلی این کشور، یعنی سرکوب رادیکالیسم فراملیتی؛ ثبات بخشیدن به رژیم‌های منطقه‌ای و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی آنها و کنترل نفوذ آمریکا می‌پردازد و نشان می‌دهد که مسایل حل نشده درون ملیتی و فضای ناپایدار آسیای مرکزی، چین را در رسیدن به اهداف خود در منطقه با چالش مواجه می‌سازد.

#### بخش نوزدهم) تقابل میان هنجارهای غربی و منافع منطقه‌ای<sup>۵</sup>

سالی کومینگز<sup>۶</sup> در مقاله خود تحت عنوان «پل اوراسیایی یا آب‌های گل‌آلود میان شرق و غرب؟ ایده‌ها، هویت و بازدهی در سیاست خارجی قزاقستان»<sup>۷</sup>، تعریف تعریف نخبگان حاکم قزاقستان از سیاست خارجی «چندگانه»<sup>۸</sup> کشورشان به عنوان پلی میان آسیا و اروپا را مورد بررسی قرار می‌دهد. وی به دنبال القای واقع‌بینی و تاثیرپذیری این نوع سیاست خارجی، خاطر نشان می‌سازد که یک چنین سیاست خارجی از ضعف هویت ملی کشور قزاقستان و جدایی موقت روسیه از آسیای مرکزی در دهه نود نشأت می‌گیرد. کومینگز بر این عقیده است که اقدامات قزاقستان برای تلفیق ظاهری، ممکن است از توجه به مسایل داخلی بکاهد، و اینکه سیاست شناور بودن میان شرق و غرب با تناقضاتی درونی آمیخته است.

---

<sup>1</sup> . David Kerr

<sup>2</sup> . Laura Swinton

<sup>3</sup> . China, Xinjiang, and the Transnational Security of Central Asia

<sup>4</sup> . Xinjiang Uyghur

<sup>5</sup> . Encounters Between Western Norms and Regional Interest

<sup>6</sup> . Sally Cummings

<sup>7</sup> . Eurasian Bridge or Murky Waters between East and West? Ideas, Identity and Output in Kazakhstan's Foreign Policy

<sup>8</sup> . Multivector

---

الکساندر کولی<sup>۱</sup> در مقاله خود با عنوان «پایگاه‌های آمریکایی و دموکراسی‌سازی در آسیای مرکزی»<sup>۲</sup>، جزئیات دو پایگاه نظامی کوچک «لیلی پد»<sup>۳</sup> که در اواخر سال ۲۰۰۱، یکی در کارشی-خان‌آباد در ازبکستان و دیگری در نزدیکی فرودگاه ماناس<sup>۴</sup> در بیشکک، پایتخت قرقیزستان به منظور حمایت از عملیات نظامی در افغانستان تاسیس شد را مورد تحلیل قرار می‌دهد. با اینکه این پایگاه‌ها به طور موقت تاسیس شده بودند و قرار بود اثر چندانی بر جای نگذارند، اما دولت عسکر آقاییف<sup>۵</sup> و به دنبال سقوط وی در سال ۲۰۰۵، دولت بعدی یعنی قربان بیگ باقی‌یف<sup>۶</sup>، این پایگاه‌ها را به مراکز معامله و مذاکره برای دستیابی به منافع اقتصادی و استراتژیک تبدیل کرده بودند و برای تعدیل انتقادات از نقاط ضعف دموکراتیک خود به این موضوع جنبه سیاسی بخشیدند. این بخش همچنین به این موضوع نیز می‌پردازد که چگونه روابط مبتنی بر همکاری نظامی آمریکا و ازبکستان به علت تیراندازی نیروهای امنیتی ازبکستان به معترضین در اندی‌جان در ماه می سال ۲۰۰۵، رو به تیرگی نهاد و اخراج پرسنل نظامی آمریکا را در پی داشت. کولی هشدار می‌دهد که در آینده هرگونه حضور نظامی ایالات متحده در منطقه‌ای با رژیم‌های بی‌ثبات و غیر دموکراتیک، احتمال گرفتاری آمریکا در درگیری‌های محلی و برنامه‌های سیاسی نخبگان را به همراه خواهد داشت.

مقاله بعدی کولی، «اصولی در زمینه خطوط لوله: مدیریت ارزش‌ها و منافع فراآتلانتیکی در آسیای مرکزی»<sup>۷</sup> نام دارد. وی در بخش حاضر به این مساله می‌پردازد که چگونه آمریکا و اروپا برای دسترسی به امتیازات استراتژیکی مهم در آسیای مرکزی - به ویژه پایگاه‌های نظامی، منابع و خطوط لوله نفت و گاز - انتقادات از ضعف دموکراتیک کشورهای منطقه را تعدیل می‌کنند. وی با پرداختن به جزئیات اقدامات آلمان به منظور کنترل پایگاه ترمنز<sup>۸</sup> در ازبکستان در پی اخراج نیروهای آمریکایی از پایگاه کارشی-خان‌آباد،

---

<sup>۱</sup> . Alexander Cooley

<sup>۲</sup> . U.S. Based and Democratization in Central Asia

<sup>۳</sup> . Lily Pad

<sup>۴</sup> . Manas

<sup>۵</sup> . Askar Akaev

<sup>۶</sup> . Kurmanbek Bakiev

<sup>۷</sup> . Principles in the Pipeline: Managing Transatlantic Values and Interest in Central Asia

<sup>۸</sup> . Termez

---

بر عدم ناهماهنگی در اهداف اقتصادی و استراتژیک جامعه فرا آتلانتیکی در منطقه تاکید دارد. مقاله وی با تحلیلی تامل‌برانگیز از گرایش اقتصاد سیاسی کشورهای غنی از منابع هیدروکربنی به توسعه نهادهای موروثی تحت نفوذ دولت که متناقض با گسترش روندهای دمکراتیک و جامعه مدنی مستقل است، پایان می‌یابد.

### بخش بیستم) حوزه دریای خزر: امید به آینده، سیاست و خط لوله<sup>۱</sup>

مقاله «انتظار بیهوده دریای خزر»<sup>۲</sup>، در سال ۱۹۸۸ توسط مارتا بریل الکوت نگاشته شد. این مقاله، چالش‌های عمیق اقتصادی، استراتژیک و چالش‌های مربوط به توسعه که کارشناسان، سیاستگذاران و علایق تجاری در غرب که به دنبال گسترش منافع در منطقه نفت‌خیز دریای خزر (که از بی‌ثباتی اقتصادی و اجتماعی، فقر روزافزون، آشفتگی و ماهیت غیر دمکراتیک رژیم‌ها رنج می‌برند) با آنها مواجه هستند را گوشزد می‌کند. با اینکه سناریوی بی‌ثباتی که الکوت در سال ۱۹۹۸ مطرح کرد، تحقق نیافته است، اما یافته‌های مهم وی مبنی بر اینکه نفت دریای خزر نسبت به پیش‌بینی‌های وجد آمیز پس از جنگ خلیج فارس، از پتانسیل پایین‌تری برخوردار است و اینکه روسیه کنترلی تعیین‌کننده بر منافعش دارد، همچنان معتبر است.

مقاله گاد/ت بهجت<sup>۳</sup> با عنوان «آسیای مرکزی و امنیت انرژی»<sup>۴</sup>، بر همکاری احتمالی کشورهای حوزه دریای خزر در خصوص امنیت جهانی انرژی نفت و گاز تاکید دارد. بهجت پس از ارزیابی مختصر سیاست‌ها و اهداف اصلی آمریکا، روسیه، چین، جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در منطقه، بر این باور است که عدم وجود اتفاق آراء میان کشورهای ساحلی در تفکیک مرزها، تقسیم منابع و انتخاب خطوط لوله و همچنین فساد نهادینه شده، مانع توسعه منابع انرژی شده است. حضور غرب در دریای خزر، بیشتر تحت تاثیر عوامل استراتژیک است تا عوامل اقتصادی و این به دلیل اهمیت بارز منطقه در جنگ علیه جنبش‌های افراط‌گرایی اسلامی است و نیز اینکه حوزه دریای خزر منبع جایگزینی برای

---

<sup>۱</sup> . The Caspian Region: Promise, Politics and Pipeline

<sup>۲</sup> . The Caspian's False Promise

<sup>۳</sup> . Gawdat Behgat

<sup>۴</sup> . Central Asia and Energy Security

---

منابع هیدروکربنی محسوب می‌شود. مقاله مذکور، در پایان به نقش تنوع منابع عرضه نفت در امنیت جهانی انرژی می‌پردازد.

*رافایل کاندیوتی*<sup>۱</sup> در مقاله خود تحت عنوان «شانس دستیابی به دریاهاى آزاد چقدر است؟ ژئوپلیتیک انتقال نفت و گاز از جمهوری‌های حوزه دریای خزر»<sup>۲</sup> به انتقال نفت و گاز از سه کشور قزاقستان، ازبکستان و ترکمنستان می‌پردازد. وی بر این عقیده است که اقتصاد هیدروکربنی در سایه وجه مشترک میان واقعیت عینی تولید و انتقال این منابع و روابط سیاسی و اقتصادی خارجی شکل می‌گیرد. وی خاطر نشان می‌سازد که قزاقستان سرانجام تصمیم گرفته تا روی انتخاب مطمئن‌تر صادرات از مسیر روسیه حساب باز کند و به این همکاری تحکیم بیشتری بخشیده است؛ در هر حال، ازبکستان و ترکمنستان به نتایج رضایت‌بخشی نرسیده‌اند و از این رو، ترکمنستان در پی همکاری با چین برآمده است. کاندیوتی در پایان مقاله خود، از سرخوردگی آمریکا برای رسیدن به توافق با ایران می‌گوید و اینکه چنین شکستی موجب اعتماد بیشتر جمهوری‌های آسیای مرکزی به روسیه شده و دخالت چین در آسیای مرکزی را نیز افزایش داده است.

*آندری کازانتسف*<sup>۳</sup> عضو مؤسسه دولتی امور بین‌الملل مسکو<sup>۴</sup> در مقاله خود با عنوان «سیاست روسیه در آسیای مرکزی و منطقه دریای خزر»<sup>۵</sup>، ارزیابی دقیقی از سیاست روسیه در قبال حوزه دریای خزر تحت رهبری ولادیمیر پوتین را ارائه می‌دهد. با اینکه سیاستگذاران خارجی روسیه تحت نظر ولادیمیر پوتین نسبت به زمان رهبری بوریس یلتسین، سیاستی منسجم‌تر در قبال آسیای مرکزی داشته‌اند، اما هنوز نیز در سیاست روسیه نسبت به منطقه دریای خزر اختلافات و تضادهایی به چشم می‌خورد. اقدامات پراکنده روسیه برای ادغام مجدد جمهوری‌های آسیای مرکزی در فضای اتحاد جماهیر شوروی از طریق ایجاد سازمان‌های چندجانبه از طرفی با ظهور سازمان‌های بین‌المللی جدید و از طرف دیگر به علت عدم همکاری میان سازمان‌های یک‌پارچه‌ای که روسیه در رأس آنها قرار داشت، کم‌رنگ شده است. کازانتسف خاطر نشان می‌سازد که ناکامی روسیه در سرمایه‌گذاری

---

<sup>۱</sup> . Rafael Kandiyoti

<sup>۲</sup> . What Price Access to the Open Seas? The Geopolitics of Oil and Gas Transmission from the Trans-Caspian Republics

<sup>۳</sup> . Andrei Kazantsev

<sup>۴</sup> . Moscow State Institute of International Affairs

<sup>۵</sup> . Russian Policy in Central Asia and the Caspian Sea Region



---

در بخش منابع عمده مالی، توانایی این کشور را برای ایفای نقش به عنوان بازیگر مهم اقتصادی و رقابت با چین، پایین می‌آورد. بنابراین، موفقیت‌های پوتین اگرچه قابل قبول می‌باشد و حمایت روسیه از رژیم‌های فعلی به دنبال انقلاب‌های رنگی امیدوارانه بوده است، اما محدود و ناپایدار به نظر می‌رسد.

نهایتاً، بخش آخر این کتاب، به مقاله تری لین کارل<sup>۱</sup> با عنوان «محاسبات خام: سرمشق‌های اوپک برای حوزه دریای خزر»<sup>۲</sup> اختصاص دارد. وی، منابع انرژی و ظرفیت اقتصادی حوزه دریای خزر را از طریق مقایسه آن با تجربه کشورهای عضو اوپک، مورد مطالعه قرار می‌دهد. کارل از تحقیقات و تخصص عمیق خود در زمینه اقتصاد سیاسی کشورهای منبع انرژی بهره می‌گیرد تا انتظارات در خصوص امتیازاتی که به واسطه ظرفیت بسیار زیاد انرژی حوزه دریای خزر حاصل می‌شود را تعدیل نماید. نویسنده به تشابهات بارز میان بسیاری از کشورهای غنی از منابع که فاقد نهادهای اجرایی دموکراتیک و ساختارهای پاسخگو هستند، اشاره دارد.

### جمع‌بندی

۶۹ مقاله‌ای که در این مجموعه چهار جلدی منظور شده است (که ۱۵ مقاله آن در اینجا مورد بررسی کوتاه قرار گرفت) به موضوعات و مسایل زیادی در زمینه مطالعات آسیای مرکزی که احتمالاً طی چند دهه آتی به بحث گذاشته خواهند شد، می‌پردازد. کتاب حاضر گنجایش بسیاری از کارهای جدید و دارای جزئیات و همچنین کارهایی که جنبه تاریخی و توصیفی دارند را نداشت و از آوردن این مطالب پرهیز شده است. مقالاتی که در این کتاب آمده است، حاصل اقدامات نسل پیشین اندیشمندی است که تلاش کرده‌اند وضعیت دانش‌پژوهی<sup>۳</sup> را در منطقه بهبود بخشند. این اقدامات از این منظر، موید ماهیت نوپا، اما پویای دانش‌پژوهی در منطقه است. آنها شرایط تاریخی و تحلیلی بسیار مفیدی برای شناخت برخی از تحلیلی‌ترین فعالیت‌ها و چالش‌هایی که منطقه با آن مواجه است، فراهم می‌آورند: ایجاد اقتصاد رقابتی بازار محور؛ ایجاد هویت‌های ملی باثبات و ساخت‌های زیربنایی

---

<sup>۱</sup> . Terry Lynn Karl

<sup>۲</sup> . Crude Calculations: OPEC Lessons for the Caspian Region

<sup>۳</sup> . Scholarship

---

---

کشور؛ توسعه نهادهایی با مسئولیت دمکراتیک، جامعه مدنی و سیستم قابل رشد سازمان‌های غیر دولتی؛ مقابله با شورش‌های بنیادگرا و ملحوظ داشتن فعالیت‌های اسلامی در روند سیاسی؛ افزایش ثبات در حوزه دریای خزر و کمک به توسعه منابع هیدروکربنی منطقه و ایجاد مکانیسم‌های مناسب برای توزیع مجدد منابع؛ ایجاد پیوندها و ساختارهای چندجانبه با هدف افزایش همکاری‌های منطقه‌ای و مطرح شدن مشهود آسیای مرکزی در سطح بین‌الملل و در عین حال، کاهش ظرفیت‌های درگیری و بی‌ثباتی در منطقه است.

سمیه بهرامی

